نگاهی به اولویت های سیاست خارجی دولت دکتر پزشکیان

مدیریت تنش در رابطه باآمریکا با حفظ اصول انقلاب

مرتضی دامن پاک جامی

بخش ششم و پایانی

گزارش بین الملل

در صورت ادامه وضعیت موجود در روابط ایران و اروپا، ضمن آنکه فرصت های عادی سازی روابط با یکی از شرکای سنتی ایران از دست می رود و این موضوع با اصل ایجاد توازن در سیاست خارجی در تضاد می باشد، فاصله اروپا از ایران نیز به گونه ای افزایش می یابد که اتخاذ هر گونه تصمیمات ضد ایرانی در اروپا با کمترین هزینه برای آنها قابل اجرا خواهد بود.

این وضعیت را می توان ورود به مرحله بی ربط بودگی ایران برای اروپا تعبیر کرد. در این صورت، می باید منتظر تشدید اقدامات و تصمیمات اروپا علیه ایران از جمله در موارد زیر در آینده باشیم:

- اروپا با سرعت و جسارت بیشتری در مسیر مشروعیت زدایی و امنیتی سازی ایران حرکت خواهد کرد و از این طریق هزینه های اقدامات ایران در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی را افزایش خواهد داد. این موضوع می تواند شامل بر هم زدن کامل توافق هسته ای- به ویژه اگر انتخابات آتی آمریکا به روی کار آمدن مجدد ترامپ منجر شود- و فعال کردن مکانیزم ماشه نیز باشد. در این صورت، روابط ایران و اروپا وارد مرحله خطرناک خصومت و حتی حمایت برخی از کشورهای اروپایی از براندازی خواهد شد که هزینه مدیریت آن بسیار سنگین تر ازهزینه های تلاش برای رفع تنش ها در مرحله کنونی خواهد بود.

- اروپا عملا ایران را از همه معادلات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود کنار گذاشته و منافذ ارتباطی اعضای خود با ایران را در همه زمینه ها خواهد بست. تجربه قطع وابستگی به انرژی روسیه و جایگزینی آن با منابع دیگر، جرات و جسارت انجام این کار را به اروپا داده است.

- اروپا توافقات خود را با دیگر شرکای آسیایی و منطقه ای برای ایجاد زیرساخت های مدرن و سریع حمل و نقل و ترانزیت بین کانون های تولید و خدمات در شبه قاره و جنوب شرق آسیا، آسیای مرکزی و خلیج فارس و بازارهای مصرف در نیمکره غربی تکمیل و تسریع خواهد کرد. به این ترتیب، ایران عملا از مسیر کریدورهای شمالی- جنوبی و شرقی- غربی کنار گذاشته خواهد شد. در حال حاضر، ۷ کریدور مختلف در اطراف ایران در حال دور زدن آن هستند که در بسیاری از آنها می توان حمایت اروپا را مشاهده کرد.

- اروپا به استفاده ابزاری از مسائل حقوق بشر علیه ایران و تشدید آن و سوء استفاده از رویکرد وطن پریشی ایرانیان مقیم خارج ادامه خواهد داد، به ویژه اینکه ما اکنون با نسل جدیدی از رهبران جوان، احساساتی و فمنیست در کشورهای اروپایی مواجه هستیم که با نواپوزیسیون جوان و پرتحرک ایرانی مقیم هم ذات پنداری داشته و با تحرکات و کمپین های ضدایرانی آنها همراهی زیادی دارند.

- اروپا با ورود به مرحله بی ربط بودگی ایران، این بار جلوتر از آمریکا به دنبال فعال کردن مکانیزم ماشه در برجام بر خواهدآمد. شروع این کار هم با تصویب قطعنامه پیشنهادی اروپا در نشست اخیر شورای حکام آژانس زده شده است و اگر اقدامات فوری و توامان دولت چهاردهم برای بهبود روابط با اروپا و احیای برجام در ماه های پیش رو و حتی قبل از روی کار آمدن احتمالی ترامپ به نتیجه ای نرسد، دولت پزشکیان باید انتظار مرگ برجام، ورود به مرحله مخاصمه در روابط اروپا و بازگشت همه تحریم های سازمان ملل و اروپا را داشته باشد که عملا کار را برای سیاست خارجی آن بسیار سخت خواهد کرد. با توجه به این واقعیات، بنظر می رسد که مولفه های سنتی در روابط با اروپا دیگر تکاپوی استمرار گفتمان های گذشته مثل انتقادی، فراگیر و مشارکت تعاملی را نمی کند. حتی دیگر ترفند قرار گرفتن در شکاف اختلافات احتمالی اروپا و آمریکا نیز برای بهره برداری سیاسی یا اقتصادی کفایت نمی کند. برای بازگرداندن روابط پرتنش کنونی با اروپا به ریل عادی، به یک تغییرعمیق، راهبردی و مبتنی بر گفتمان جدیدی در روابط با این منطقه نیازمندیم. این گفتمان، بایستی بتواند با استفاده از ابزارهای بازیگری جدید و تکیه بر یک دال مرکزی محرک یا مشوق اروپا، شرایط را برای حل و فصل پرونده های باز موجود در روابط با اروپا به شیوه ای پایدار فراهم کند.

مدیریت تنش در رابطه با آمریکا

آمریکا به عنوان یکی از بازیگران اصلی نظام بین الملل، هم به صورت مستقیم از طریق تهدیدات نظامی، اعمال تحریم ها و فشارهای سیاسی و اقتصادی و هم به صورت غیرمستقیم از طریق هم پیمانان منطقه ای خود و اعمال فشار بر سایر کشورها، در چهار دهه گذشته بر فرآیند تصمیم گیری و اجرایی سیاست خارجی و امور داخلی ایران تاثیر گذاشته و تصویر و موقعیت آن را در عرصه بین المللی مخدوش ساخته است. از سوی دیگر، باید این واقعیت را پذیرفت که دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران پایان ناپذیر است و ایران نیز حاضر نیست به خاطر حل مشکلات خود باآمریکا از برخی اصول و ارزش های اعلام شده دست بردارد. در این شرایط، مدیریت تنش در روابط باآمریکا مهمترین اقدامی است که از سوی دولت های حاکم بر ایران قابل تصور بوده است و در برهه هایی نیز از سوی دولت های اصلاح طلب و میانه رو مثل دولت هشتم و یازدهم دنبال شده است.

آقای پزشکیان نیز محور اصلی رویکرد دولت چهاردهم در قبال آمریکا را مدیریت تنش در روابط اعلام کرده است. ایشان بر این باور است که «نداشتن رابطه سیاسی باآمریکا نباید به تنش و هزینه آفرینی بینجامد». یکی از مهمترین و بی سابقه ترین اقدامات در این زمینه، مذاکرات مستقیم ایران وآمریکا بر سر برنامه هسته ای ایران بود که در سال ۱۳۹۴ به توافق هسته ای منجر شد. در حالی که ایران به تمام تعهدات خود در قبال این توافق به طور کامل عمل کرده بود، ایالات متحده به طور غیرقانونی از توافق خارج شد و با تحمیل تحریم های یکجانبه فراسرزمینی به مردم ایران - به ویژه در دوران سخت پاندمی کرونا - زیان ها، رنج ها و آسیب های بی شماری را به اقتصاد ایران وارد کرد. دولت ترامپ همچنین با راه اندازی جنگ اقتصادی علیه ایرانومبادرت به تروریسم دولتی از طریق ترور سردار شهید قاسم سلیمانی، عامدانه نزاع ها را با ایران تشدید کرد. با وجود ادامه دشمنی های آمریکا علیه ایران که ممکن است با روی کار آمدن دوباره ترامپ از شدت بیشتری نیز برخوردار شود، بهترین گزینه پیش روی دولت چهاردهم در برابر رفتار آمریکا، چیزی بیشتر از مدیریت تنش و خنثی سازی اهرم های اقتصادی این کشور علیه ایران از طریق لغو تحریم ها نخواهد بود. هر چند احتمال بازگشت دوباره طرف ها به برجام با روی کار آمدن دولتی در ایران که هدف خود را مذاکره برای احیای توافق هسته ای اعلام کرده است، تا حدود زیادی افزایش یافته است، اما گذشته از موانع زیادی که این دولت باید در این مسیر بر طرف نماید، در صورت عدم دریافت تضمین لازم از سوی آمریکا و شرکای اروپائی آن مبنی بر عدم نقض دوباره تعهدات خود-آن گونه که در قانون اقدام راهبردی مجلس مورد تاکید قرار گرفته است- یا عدم تبدیل فرصت های پس از احیای توافق به جای پاهای محکم در روابط اقتصادی خارجی ایران، هرگونه پیوند زدن دوباره شرایط کشور به اجرای توافق هسته ای یا توافقات مشابه می تواند به چالش جدی در سیاست خارجی دولت آقای پزشکیان تبدیل شود. از سوی دیگر، باآن که می توان انتظار داشت در دولت چهاردهم تمایل بیشتری برای تعاملات دیپلماتیک بین ایران و غرب و رفع یا مدیریت تنش ها وجود داشته باشد، اما نبایستی انتظار تغییرات به اصطلاح بنیادین در سیاست خارجی دولت چهاردهم را داشت. به هرحال، چارچوب ها و محدودیت هایی در این زمینه وجود دارند که رئیس جمهور پزشکیان هم به آنها اشاره داشته اند: اولا، سیاست های کلی نظام در حوزه سیاست خارجی بر مبنای سه اصل عزت، حکمت و مصلحت ناظر بر روابط خارجی است. ثانیا، جهت گیری راهبردی کشور در سیاست خارجی به ویژه در مورد مذاکره باآمریکا از سوی مقام معظم رهبری تعیین می شود. از سوی دیگر، دولت به همراهی سایر بخش های نظام به ویژه مجلس برای پیشبرد برنامه های خود نیاز دارد که ضرورتا باآن همسو نیستند.

روابط باسایر مناطق جهان- جنوب جهانی و بریکس

آقای پزشکیان در مواضع و دیدگاه های خود علاوه بر همسایگان و کشورهای اسلامی، روسیه و چین و غرب، بر ایجاد روابط متوازن با دیگر نقاط جهان نیز تاکید کرده است. او به طور خاص از آمریکای لاتین و آفریقا به عنوان مناطق اولویت داری نام برده است که بخشی از بازیگران نوظهور جهانی مثل برزیل وآفریقای جنوبی را در خود جای داده اند. وی در همین رابطه در یادداشت خود در روزنامه تهران تایمز می نویسد که دولت وی مصمم است تا روابط متقابل مفید خود را با بازیگران بین المللی نوظهور در جنوب جهان، به خصوص با کشورهای آفریقایی، تقویت نماید. ایران همچنین باکشورهای آمریکای لاتین روابط مستحکمی دارد و دولت در جهت حفظ و تعمیق آن به منظور پیشبرد توسعه، گفتگو و همکاری در همه زمینه های اقدام خواهد کرد. جنوب جهانی اصطلاحی است که در چند دهه گذشته برای اطلاق به مجموعه کشورهای در حال توسعه و چین اطلاق می شود. این کشورها به نظم جهانی ناعادلانه برساخته غرب یا جهان توسعه یافته اعتراض دارند و در تلاش برای اصلاح ساختارهای ناعادلانه موجود و افزایش سهم خود در اقتصاد و حکمرانی جهانی هستند. علاوه بر تشکل های با سابقه ای مثل گروه ۷۷ و گروه ۱۵ که در دهه های گذشته به همین منظور ایجاد شده اند، بلوک هایی مثل بریکس نیز در یک دهه گذشته به نمادی برای تقویت صدای جنوب جهانی به وجودآمده اند. بریکس در سال ۲۰۰۹ با اهداف بلندی نظیر اصلاح نظام اقتصاد بین الملل به جای مانده از دوران جنگ سرد، اصلاح حکمرانی جهانی مبتنی بر نرم ها و ارزش های غالب غربی، ایجاد یک بلوک توانمند از قدرت های نوظهور منطقه ای و جهانی برای انعکاس موثرتر صدای جنوب جهانی و تقویت همکاریهای جنوب-جنوب در زمینه های تجارت، مالی و پولی، انرژی، سرمایه گذاری، زنجیره تامین و انتقال آسان تر و کم هزینه تر منابع و کالاهای تولیدی به بازارهای جهانی تشکیل گردید. ایران به همراه چهار کشور دیگر در حال توسعه در شانزدهمین نشست سران بریکس در آفریقای جنوبی به عضویت این گروه در آمد. اکنون این گروه، ۴۵٪ جمعیت جهان، ۳۰٪ مساحت کره زمین، ۴۰٪ منابع نفت جهان، ۳۷٪ تولید ناخالص داخلی جهان، و ۲۵٪ تجارت جهانی رادر اختیار دارد. در حال حاضر، ۴ کشور عضو بریکس در میان ۱۰ اقتصاد بزرگ جهان قرار دارند و ۴۰ کشور در صف پیوستن به آن هستند. اعضای بریکس دارای رشد اقتصادی بالاتر از متوسط جهانی بوده و برخی از آنها مثل هند بالاترین رشد اقتصادی جهان را دارا هستند. بسیاری از اعضای بریکس دارای مکملیت اقتصادی (در زمینه تولید و مصرف انرژی، تولید مواد خام و صنایع تبدیلی، تولید فناوری و نظایر آن هستند). هرچند، رقابت های جغرافیایی و ژئوپلتیکی، تفاوت نظام های سیاسی، تنوع فرهنگی و تفاوت رویکردهای اقتصادی و سطح توسعه یافتگی از جمله چالش هایی هستند که انسجام این گروه را تهدید می کنند، اما ظرفیت های بالقوه عظیم این گروه وعزم جدی اعضای آن برای پیشبرد اهداف ترسیم شده که با ایجاد نهادهایی مثل بانک توسعه بریکس و ایجاد نظام پرداخت های بریکس برای مقابله با سلطه دلار در مسیر عملیاتی قرار گرفته است، می تواند در بلند مدت به عنوان چالشی بزرگ در برابر نظم نا عادلانه موجود اقتصادی و سیاسی جهان خود نمایی کند وآن را به تغییر یا جایگزینی مجبور سازد. ازاین روی، بریکس درصورت مشارکت هدفمند و واقعی و غیرشعاری ایران می تواند ضمن کمک به خروج از انزوای اقتصادی و دسترسی به بازارهای اقتصادهای نوظهور، بخشی از اهداف آرمانی جمهوری اسلامی که در قانون اساسی آن نیز تبلور یافته اند، به ویژه اصلاح نظام ناعالانه اقتصاد جهانی راتحقق بخشد. با این حال، بهره برداری موثر ایران از چارچوب هایی مثل بریکس نیز منوط به تمهید مقدماتی و تحقق پیش شرط هایی است که مهمترین آن رفع تحریم هاست. این نکته ای است که از سوی آقای پزشکیان نیز مورد تاکید قرار گرفته است. وی بر این باور است که با برداشتن تحریم ها، همکاری ها در سازمان های اکو، شانگهای، بریکس و اوراسیا را گسترده تر و عملیاتی خواهیم کرد. (میزگرد سیاسی با شبکه یک)

۳- نفی یک جانبه گرایی و حمایت از چندجانبه گرایی و منطقه گرایی

وجه دیگر حفظ استقلال راهبردی در سیاست خارجی ایران، نفی یک جانبه گرایی و حمایت از چندجانبه گرایی است. رئیس جمهور پزشکیان قبل از انتخابات در مصاحبه با اسپوتنیک اظهار نمود که «جمهوری اسلامی ایران مخالف سیاست یکجانبه گرایی است و از رویکرد چندجانبه گرایی حمایت می کند. علاوه بر این همکاری های منطقه ای از جمله اولویت های برنامه سیاست خارجی من است. در این چارچوب ایران خواهان حضور فعال و همکاری بیشتر در سازمان های بریکس و شانگهای واکو می باشد و علاوه بر این، به جایگاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا که طرف همکاری با ایران است و بهره گیری بیشتر از ظرفیت های آن برای توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران با کشورهای عضوآن توجه ویژه داریم». واقعیت این است که با توجه به موانع سیاسی و فنی موجود در مسیر عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی و با در نظر گرفتن سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و راهبرد همسایگی، همکاری منطقه ای و انعقاد موافقتنامه های تجارت ترجیحی و آزاد با کشورهای همسایه و اسلامی به ویژه در چهارچوب سازمان هایی مثل اکو، دی هشت و اتحادیه اقتصادی اوراسیا می تواند یک عامل بازدارنده موثر برای تضمین ثبات و امنیت سیاسی و اقتصادی کشوردر مقابل تهدیدها و تکانه های خارجی باشد. هر چند ایران با عضویت در بیش از ۱۵ سازمان و نهاد منطقه ای و چندجانبه و اخیرا با عضویت در گروه بریکس، یک کشور فعال در زمینه منطقه گرایی و چندجانبه گرایی است، اما به دلایل متعددی ایران می باید ضمن تلاش برای حفظ و تقویت سازمان اکو و ایفای نقش فعال و محوری در اجرای موافقتنامه ها و برنامه های این سازمان، به این موضوع به عنوان یک راهبرد ملی نگاه کرده و پیشبرد امور آن را در اولویت اهداف سیاست خارجی خود قرار دهد. در این راهبرد، ایران می باید آمادگی از خود گذشتگی بیشتر به نفع همکاریهای منطقه ای را داشته باشد. در حال حاضر، اکو با مشکلات و موانع جدی در مسیر تحقق اهداف خود و حرکت به سمت همگرایی منطقه ای مواجه است. متاسفانه باید پذیرفت که سهم بالایی از شکست ها و ناکامی های اکو را می باید به حساب ایران گذاشت. کشورما برغم حدود ۲۰ سال تجربه منطقه گرایی قبل از انقلاب و نزدیک به چهار دهه حضور در اکو پس از انقلاب، هنوز تکلیف خود را با مهمترین و بالغ ترین سازمان منطقه ای که در آن عضویت و نفوذ دارد، مشخص نکرده است. در ۳۰ سال گذشته علیرغم شعارهای فراوانی که در حمایت از همکاری منطقه ای در اکو داده شده است، در عرصه عمل این همکاریها تحت الشعاع رفتارهای مقطعی و سلیقه ای دولت ها، استفاده ابزاری از سازمان برای اهداف سیاسی و رفتارغیرحرفه ای بسیاری از دستگاه های اجرایی و اقتصادی کشور قرار گرفته است و کشور فاقد یک نگاه راهبردی و بلندمدت در مهمترین سازمان پیرامونی خود بوده است.

تجربه نحوه برخورد ایران با اکو نشان می دهد که مشکل اصلی کشور ما در زمینه منطقه گرایی، کمیت حضور در این گونه سازمان ها نیست، بلکه کیفیت مشارکت و نوع بینش آن نسبت به همگرایی منطقه ای است.

منطقه گرایی اقتصادی ایران از یک سود درباتلاق تحریم ها و فشارهای اقتصادی خارج از منطقه زمینگیر شده است و از سوی دیگر، دچار یک نوع سیاست زدگی زودرس شده که انتظار دارد ترتیبات منطقه ای و چندجانبه کمک کنند تا کشور را از انزوای منطقه ای و فشارهای اقتصادی خارج سازند و وجهه بین المللی آن را ارتقاء بخشند. نحوه برخورد دولتمردان دولت سیزدهم با پذیرش عضویت ایران در نهادها و گروه های چندجانبه ای مانند سازمان شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس در سال های اخیر موید این واقعیت است. زیرا اگر قرار بود به آزادسازی تجاری با همسایگان و افزایش تجارت درون منطقه ای دست یابیم، چارچوب همکاری منطقه ای بهتر از اکو را نمی توانستیم با همسایگان ایجاد کنیم. لذا دولت چهاردهم برای رسیدن به یک راهبرد هدفمند و پایدار در زمینه سیاست همسایگی و پیوستن به هویت آسیایی و توسعه روابط با شرق جغرافیایی و شرق راهبردی (به شمول منطقه گرایی و چندجانبه گرایی) نیازمند تغییر رویکردهای گذشته است که مهمترین شاخصه آن، بر طرف ساختن پارادوکس های موجود در بینش ها و کنش های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی کشور در سطح منطقه ای است.

۴-احیای برجام ورفع تحریم ها

باتوجه به مواضع واظهارات رئیس جمهوری منتخب در جریان رقابت های انتخاباتی و مناظره ها و وعده هایی که وی در جریان انتخابات به مردم داده است، احیای برجام و رفع تحریم ها، مهمترین وجه ایجابی اولویت های سیاست خارجی در دولت چهاردهم است. اگر چه طرفین بیان می کنند که از برجام به جز پوسته ای باقی نمانده است، اما همچنان اتکای به همین سند می تواند باعث شود دوباره همکاری ها میان طرفین شکل گیرد و تحریم ها علیه ایران برداشته شود. در واقع، در شرایط ناپایدار و منازعه آلود جاری در روابط ایران و غرب، دکتر پزشکیان اولویت سیاست خارجی خود را رفع تحریم ها، تعیین تکلیف برجام و فاتف و تعامل سازنده بادنیا تعریف کرده، زیرااز رهگذر آن به دنبال حل بحران اقتصادی کشور است و معتقد است که راه دیگری برای رفع تحریم ها وجود ندارد. رئیس جمهور بارهادر مناظره ها تاکید کرده است که «ما امروز نیاز داریم نفت و کالاهای تولید خود را با قیمت منصفانه بفروشیم و پول نفت را با سیاست التماسی از چین و دیگران نگیریم و بساط کاسبان تحریم و آقازاده ها را جمع کنیم. لازمه این امر، رفع تحریم ها، پیوستن به فاتف و امکان انجام مبادلات مستقیم بانکی با جهان خارج است». آقای پزشکیان با اشاره به سوء نیت غربی ها در اجرای برجام که باعث از دست رفتن یک فرصت تاریخی برای کاهش و مدیریت تنش ها در منطقه و جهان و تصعیف جدی معاهده منع گسترش (NPT) گردید، بار دیگر یادآوری می کند که دکترین دفاعی ایران شامل ساخت سلاح های هسته ای نیست و ایالات متحده باید از محاسبات گذشته اش درس گرفته و سیاست جدیدی متناسب باآن اتخاذ نماید. در مقابل، وی به عنوان حسن نیت دولت خود، برآمادگی برای احیای توافق هسته ای در چارچوب اصل تعامل مثبت و سازنده به شرط به رسمین شناختن حقوق، عزت و نقش سازنده ایران در منطقه و جهان تاکید می کند. با این حال، نکته مهم در روند احتمالی احیای توافق هسته ای، تغییر شرایط و توانمندی های هسته ای ایران پس از خروج آمریکا از توافق و چگونگی جبران خسارات بد عهدی طرف های غربی در چند سال پس از آن است که می باید در مذاکرات جدید مورد توجه قرار گیرد. وجه سلبی اولویت احیای توافق هسته ای در دولت چهاردهم، ممانعت از فعال شدن مکانیزم ماشه است که خطر آن بیش از هر زمان دیگری است، زیرابر خلاف دوره ترامپ که فقط آمریکا به دنبال استفاده از این مکانیزم بود، اکنون اروپا نیز در این زمینه فعال شده است. توسل اتحادیه اروپا به صدور قطعنامه در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و همراه کردن آمریکا با این قطعنامه در واقع زمینه سازی لازم برای فعال شدن مکانیزم ماشه علیه ایران است که باید به آن توجه جدی داشت. نکته مهم این است که طبق برجام، ۱۰ سال پس از اجرایی شدن این توافق یعنی در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ برابر با ۱۶ مهر ۱۴۰۴ می بایست محدودیت های هسته ای، تسلیحاتی و موشکی علیه ایران برداشته شود و این یعنی آمریکا و اروپا ممکن است در صورت عدم احیای برجام به منظور جلوگیری از اتمام این محدودیت ها، مکانیزم ماشه رافعال کنند. بنابراین، مشاهده می شود که تا یک سال آینده وجه ایجابی ووجه سلبی احیای توافق هسته ای در دولت چهاردهم در برابر هم قرار می گیرند و در نتیجه باید یکی از این دو مسیر انتخاب شود و انتخاب هر مسیر به معنای پایان دادن مسیر دیگر و یا حداقل کمرنگ شدن شانس آن در آینده است.

۵- دیپلماسی اقتصادی و نقش آفرینی سیاست خارجی در بهبود زندگی و معیشت مردم

دیپلماسی اقتصادی به بهره گیری مناسب از ابزارهای نوین و متکثر دیپلماسی در عرصه اقتصاد جهانی برای تأمین منافع ملّی کشورها اشاره دارد و یکی از مهم ترین ابزارهای دولت ها برای پیشبرد اهداف بلندمدّت رشد و توسعه اقتصادی در داخل است. کشورهایی که در عرصه سیاست خارجی رویکرد توسعه گرا در پیش گرفته اند، دارای دیپلماسی اقتصادی فعّال و پویایی هستند و توانسته اند در تأمین اهداف اقتصادی خود در عرصه بین المللی از تمام ابزارها و ظرفیّت ها، از جمله عنصر اقتصاد به خوبی استفاده کنند. دولت های مسئول در جمهوری اسلامی نیز طی سه دهه گذشته کمابیش به اهمیت نقش سیاست خارجی در کمک به توسعه اقتصادی و تامین منافع ملی کشور در عرصه جهانی توجه و تاکید نموده اند و این موضوع در اسناد بالادستی و برنامه های توسعه کشور و همچنین در بینش و کنش دستگاه دیپلماسی نیز انعکاس قابل توجهی یافت. به طوری که نهاد سیاست خارجی ناگزیراز توجه به اولویت ها و اهداف توسعه اقتصادی کشور و انعکاس آن در برنامه ها و ساختار خود شد. صرف نظر از میزان موفقیت دولت های گذشته در زمینه دیپلماسی اقتصادی که نیازمند بحث جداگانه ای است، آقای پزشکیان نیز به اهمیت نقش سیاست خارجی در تامین منافع اقتصادی کشور توجه و تاکید نموده است. وی می گوید: « امروز هیچ کسی تردید ندارد که سیاست خارجی نقشی تعیین کننده در شرایط زندگی مردم ایران دارد؛ اساس و هدف سیاست خارجی ما شامل منافع ملی، تضمین امنیت ملی و پاسداری از حیثیت ملی و منزلت بین المللی ایران و بهبود کیفیت زندگی مردم خواهد بود. مردم ایران شایسته زندگی بهتر و جایگاه شایسته تری هستند و با سیاست خارجی واقع گرا و تحول آفرین در این مسیر از ظرفیت های انسانی، تمدنی و جغرافیایی و سیاسی کشور برای پیشبرد منافع ملی و سربلندی ایران استفاده خواهم کرد.» رئیس جمهور پزشکیان، سیاست خارجی خود را توسعه گرانامیده و معتقد است که «بلاتکلیفی در سیاست خارجی به معنای بلاتکلیفی مردم، نسل جوان، اقتصاد و بازار کشور است؛ می خواهیم سیاست خارجی به مردم ثبات و امنیت روانی ببخشد تا بتوانند برای زندگی خود در بلند مدت بدون تردید و اضطراب برنامه ریزی کنند». وی همچنین تاکید می کند که برای رفع مشکلات مردم و تامین زمینه های توسعه به همت و انسجام ملی و گشایش خارجی نیاز داریم؛ چرا که توسعه و پیشرفت اقتصادی درون زا و برون گرا بدون سیاست خارجی جهان گرا و تنش زدا ممکن نیست. قرار بود تحریم ها را دور بزنیم اما الان کریدورها و مسیرهای ارتباطی منطقه ما را دور زده اند. حذف ایران از بازارهای انرژی و مسیرهای ترانزیتی را متوقف و مزیت نسبی ایران در این حوزه های حیاتی را بازسازی خواهیم کرد. (سه شنبه - ۲۹ اسفند ۱۴۰۳ - میزگرد سیاسی شبکه سه سیما). مواضع دکتر پزشکیان در مورد ضرورت رفع تحریم ها، اجتناب از سیاست های غیرشعاری و زیان بار و طراحی سیاست خارجی به شکلی باثبات و قابل پیش بینی، حاکی از این است که ایشان رابطه میان سیاست خارجی، کیفیت زندگی مردم و معضلات اجتماعی را به خوبی درک کرده و قصد دارد از ابزار دیپلماسی برای رفع چالش های مهم اقتصادی و اجتماعی در داخل استفاده کند.

باآن که ضرورت های تحقق اهداف مذکور ایجاب می کند که علاوه بر پیش فرض رفع تحریم ها، دولت چهاردهم در حوزه دیپلماسی اقتصادیبه مراتب بیشتر از گذشته فعال باشد، اما با موانع و چالش های فراوانی در این مسیر مواجه است. هر چند، هنر دیپلماسی اقتصادی باید این باشد که با بهره گیری از ظرفیت های اقتصاد داخلی و ابزارهای دیپلماسی، ضمن رویارویی و رفع چالش ها و موانع پیش روی روابط اقتصادی خارجی، ارتباطات اقتصادی کشور را با جهان خارج استمرار بخشیده و در شرایط تحریم و غیر تحریم به حفظ و توسعه روابط اقتصادی با شرکای متنوع خارجی کمک کند، اما دیپلماسی درخلاء شکل نمی گیرد و بدون ابزارهای لازم و بستر بازیگری مناسب نمی تواند کار چندانی برای اقتصاد کشور انجام دهد. اگر مهمترین ابزارهای مورد نیاز دیپلماسی در سطح بین المللی را برخورداری از روابط عادی و بدون تنش و تحریم و البته متوازن با کشورها و مناطق مختلف جهان بدانیم، این ابزارها در سطح ملی به نحوه حکمرانی و نوع نگرش به جهان خارج، ایجاد ظرفیت های لازم قانونی و ساختاری در اقتصاد ملی و نگاه بلندمدت و برنامه ریزی شده به مقوله دیپلماسی اقتصادی مربوط می شود. در این صورت، می توان روابط اقتصادی خارجی کشور را آن گونه که رئیس دولت چهاردهم انتظار دارد قابل پیش بینی کرد. به بیان دیگر، برای تقویت و تحکیم رویکردها و گام های اتخاذ شده در دولت های گذشته در مسیر اقتصادمحور کردن سیاست خارجی و کاستن از چالش های پیش روی آن، سیاست خارجی کشور نیازمند یک سند کلان ملی مبتنی بر راهبردها و برنامه عملیاتی منسجم، نهادینه وبلندمدت ملی در عرصه دیپلماسی اقتصادی است؛ برنامه ای که باآمد و شد دولت ها تغییر نکند و خود را برای مقابله با چالش ها و تکانه های محیط بین المللی از طریق تعامل سازنده و موثر با جهان خارج به ویژه همسایگان و شرکای راهبردی و عملیاتی کردن سیاست های اقتصاد مقاومتی آماده نماید و مسیر ایجاد تحرک و تعالی در توسعه اقتصادی کشور را بدون هیچ ملاحظه و اعمال سلیقه ای بر مبنای یک سند کلان راهبردی ملی ادامه دهد. اما برای ترسیم چنین سند ملی، همانگونه که تاکید شد، دولت چهاردهم باید مجموعه ای از چالش های داخلی و خارجی پیش روی خود را از میان بردارد.

در عرصه خارجی، عوامل متعددی کارکرد روان و موثر دیپلماسی اقتصادی ایران را با مشکل مواجه ساخته اند. چالش های مربوط به تداوم سیاست های ضدایرانی آمریکا و اروپا و ادامه تنش ها در مناطق پیرامونی سیاست خارجی ایران راآزار می دهند. برخی از کنشگران منطقه ای نیز که نهایت تلاش خود را برای جلوگیری از به سرانجام رسیدن مذاکرات هسته ای بکار بستند، سعی دارند با تشدید فضای شیعه هراسی وایران هراسی، همچنان ایران را به عنوان تهدید صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی مطرح کنند. بااین حال، نبایستی چالش های پیش روی دیپلماسی اقتصادی ایران را تنها به نقش عوامل خارجی فروکاست و از نقش مهم تر موانع و چالش های عرصه داخلی در برابر سیاست خارجی غافل بود. مشکلات ساختاری اقتصاد داخلی برای حضور موثر و کنش مند در اقتصاد جهانی، سیاست های ناهماهنگ و بعضا متعارض در حوزه های اقتصادی، سیاسی و امنیتی، تفوق اندیشه های جناحی بر منافع ملی در سیاست خارجی، فقدان درک مشترک و اجماع داخلی در حوزه های مهم سیاست خارجی و اتخاذ سیاست های موازی از سوی دستگاه های مختلف در حوزه روابط خارجی از چالش های عمده داخلی است که امکان کارکرد موثر سیاست خارجی در فضایی آرام، اجماعی و بدور از تنش و اولویت بخشی به مسائل اقتصادی در روابط خارجی را مشکل می سازد.

مدیریت تنش در روابط با آمریکا مهمترین اقدامی است که از سوی دولت های حاکم بر ایران قابل تصور بوده است و در برهه هایی نیز از سوی دولت های اصلاح طلب و میانه رو مثل دولت هشتم و یازدهم دنبال شده است

۶-استمرار حمایت از محور مقاومت، هماهنگی میان دوگانه میدان و دیپلماسی

رئیس جمهوری منتخب در اقدامی بی سابقه (برای اولین بار) مستقیما به سید حسن نصر الله و اسماعیل هنیه رهبران حزب الله و حماس نامه نوشت و در آن بر تداوم رویکرد حمایت و تقویت جبهه مقاومت در منطقه تاکید ورزید. این نامه ها نه صرفاً نامه ای به یک گروه مشخص در محور مقاومت، بلکه پیامی واضح و روشن از سوی دولت ایشان به تمام گروه های مقاومت در منطقه بود. ارسال این نامه ها نشان می دهد که حمایت از گروه های مقاومت در منطقه یکی از اصول تغییر ناپذیر سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب می آید و نه تنها در دولت چهاردهم تغییری در این موضوع دیده نخواهد شد بلکه ممکن است دولت چهاردهم بیش از گذشته به سمت تقویت محور مقاومت در منطقه حرکت کند. از منظر دولت چهاردهم، و به عنوان یک سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی اسرائیل یک رژیم آپارتاید است که «نسل کشی» را نیز به کارنامه تیره خود- که شامل اِشغال، جنایات جنگی، پاکسازی قومی، شهرک سازی، برخورداری از سلاح های هسته ای، ضمیمه غیرقانونی سرزمین های دیگران و تهاجم به همسایگانش بوده- اضافه کرده است. آقای پزشکیان در یادداشت خود در روزنامه تهران تایمزعزم خود را برای پیگیری مساله فلسطین و پایان بخشیدن به فاجعه انسانی در غزه نشان داده و اعلام می کند که به عنوان اولین اقدام، دولت وی از کشورهای عرب همسایه درخواست همکاری خواهد کرد تا با استفاده از تمامی اهرم های سیاسی و دیپلماتیک استقرار آتش بس و متوقف کردن کشتار مردم غزه را در اولویت قرار دهند تا از گسترش دامنه جنگ جلوگیری شود. سپس باید با جدیت تلاش کنیم تا به اشغال طولانی مدتی که زندگی چهار نسل از فلسطینیان را ویران کرده است، پایان دهیم.

باید توجه داشت که یک دیپلماسی هوشمند و قوی در ایران در قبال محور مقاومت و رفع تنش ها در منطقه می تواند به محور مقاومت نیز کمک کند تا در سطح بین المللی به عنوان یک «جنبش رهایی بخش» رسمیت پیدا کند و در مجامع بین المللی با قدرت تاثیرگذاری بیش تر و مشروعیت مضاعفی وارد عمل شود. در هر حال، حمایت از آرمان فلسطین جزو اصول لایتغیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. مسئله فلسطین امری نیست که دولت ها بتوانندآن را از پرونده های مورد پیگیری خود کنار بگذارند. لذا انتظار می رود دولت دکتر پزشکیان در ادامه رویکرد دولت شهید رئیسی این مسئله را دنبال کند. استفاده از جو ضداسرائیلی موجود در محیط بین الملل، بهترین ابزار برای پیشبرد این سیاست است. با این حال، دولت چهاردهم می باید خود را برای شرایط پس از جنگ غزه و نحوه برخورد با تلاش ها و طرح های احتمالی برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی که از سوی برخی کشورهای منطقه و قدرت های فرامنطقه ای دنبال می شود نیز آماده نماید، زیرا این قبیل طرح ها به طور اصولی با طرح پیشنهادی ایران برای حل مساله فلسطین بر اساس رفراندم و مواضع شناخته شده ایران در قبال رژیم صهیونیستی همخوانی نخواهد داشت. با توجه به آن چه گفته شد، به نظر می رسد یک ابتکار میانه یا بینابین از سوی دولت چهاردهم می تواند راه حل عبور ایران از وضعیت بغرنج موجود باشد. این ابتکار شامل تنش زدایی در سیاست خارجی، حفظ روابط همراه با عزت و از موضع استقلال راهبردی با شرکای شرقی (چین، روسیه)، همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی، اعلام تصمیم برای احیای توافق هسته ای و رفع نگرانی های غرب در زمینه موشکی و پهپادی، تقویت همکاری ها با همسایگان، تلاش برای استفاده از فرصت های موجود در بلوک ها، سازمان و چارچوب هایی مانند شانگهای، بریکس، اکو، کریدور شمال- جنوب (اینستک)، و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، از جمله اقداماتی است که انتظار می رود دولت دکترپزشکیان در اولویت روابط خارجی خود قرار دهد.